

جای اداره کسب

نذر - غلامین کتانی

ملکرافات و مکاتیب
باید عنوان دریل باشد

جنگل

مراد چنانچه طرح توزیع خواهد شد

کت نمره هفت شاهی

بیکال

۵۳۳۳۰

نایب کسب به ریاست

تخصیص اجرت لایحه و غلامان
خصوصی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشتراک جلد نمره در این نمره

قیمت اشتراک

یکار ۵۰ قران

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منظور افکار اسلامیان است

این چه بدی است

پس از تسریم پریستانی و ملی تمام درجات انحطاط
و تزلزل پس از سالها فتنه طاعت فرساده است
قتل و عارت و اسارت و ذلتی که مافوق آن بر کما
بسیع است ذلیل پریستانی تصور نیست - پس از
دست بخریبات و امتحانات عدیده - پس از
فهمیدن این نکته که ای بسا مواقع گران بهای استفاده
راجه از دست ما برایگان گرفتند و چه خود بد بخانه
برای فساد اخلاق و ذنانت طبع از دست دادیم
پس از ادراک مسه سونه مصائب و کجکل هر فروع
منابع اراده خالی همسبب آن تغییر حوادث زمان
و متزلزل کردن تخت ظالمانه نیکلای خلوع و از کون
شدن دولت مسنده روس تعلل گرفته طسیری
ترقی را از خاشاک موانع صاف کرده با آرا
نمود - بیکال است که از تاریخ نبرد در این بیست
خدای میگذرد -

بیکال است همه نوع اسباب استفاده برای فرام

شده - بیکال است تمام مسائل اصلاح
و ارتقاء و خود ارادی برای ما تهیه شده معند بیفهم
برند اشتم و بگذره سبست ترقی زرفستیم بلکه مشتی
فهمش کنی کرده روزگار ما هر در بدتر در برت نتر
از پنج سال قبل گردیده قشون روس رفت استیلای
روس رفت - م خسلات صریحه روس رفت
قشون عثمانی هم کسم از حد و ایران رفت - تمام
دول متحار به همگی بصدق ببطری حفظ استقلال
ایران داشته دارند مگر انگلیس - دیگر چرا
دامانده ایم؟ - دیگر چه تا ملی داریم؟ - سکوت
وستی ما برای چیست؟ - دیگر چه نظاری داریم؟
دها است عطن تخانات صادر شد دکلمای مرکز
تعین گشتند - ولی سنوز اقدامی با شتاب ولایت
نشد - چرا؟ - معلوم نیست!

سیور برادین سفیر دولت بالثوکیک مدتهاست
در طهران متوقف در سما خطار کرد - که حاضریم
برای اعزاء استیارات قدمه و بطال محمود را

ششم
خانک
سما از
بخواند
مسیور
خان
سما
این
بکر
شمار

جناب
مجلس
برای
خراسان
سما
مان
تعالی
مجلس
مجلس

لایحه
کتاب
مجلس

و عند معاہدت جدیدہ دخیل مذکورہ شوم نہ اورا پذیرفتند و نہ در عدد و برآمدند کہ بعبند مقصودش بیت و چه بسکویید و جودش با سخر است با نفع! -
 بیانش قابل استماع است یار و کردنی است - دو قدیم روس منہدم شد اما بابت مائتہ سفیرش میفرایند - اصل از میان رفتہ بصرج او شک شدہ و با فخر رژیم پوسیدہ بکلا دوستی قزاق حسیدہ اند - صاحب سخنان روس قزاق خانہ ایران گزارہ کردہ میخواہند قزاقخانہ را بحول بدہند و لیای امور قبول نکنند و قول اورا خلاف وفاداری بجا میدهند -

ما اورا استوکس انگلیس و سفیر انگلیس مارلینک در بخت ملک بودن شاه و اینہرم ہمہ وزیر دارا - و سمالا - و ایسرا - و حضرت احمد سما - و حضرت اشرفنا - و ارباب انواع بدخت ایرانی قزاقخانہ را بجلد نصف میکنند نفس داری نیست - بگوید بکنند - ؟ -
 باسم اتریا و ہمدان قزاق زیاد میکنند -
 بیچکس فرید ہمدان کجا است - ملک کیت و در انجا چہ واقفہ حادث شدہ! -
 و اتریا ہمدان چہ لزومی پیدا کردہ! -
 در جنوب و غرب انگلیسها قنون تشکیل میدہند در شرق سرعت برق سبز ہندی وار میکنند در کمز جلا و اترید قزاق و تسلح اشوار سفیر انگلیس ہمدستی چہ سفیر اربی مشرفان ایرانی کیت تو در بیت ما پس کردہ صلحای قتل را میکنند کسی نیست گوید کہ امام حق اقدام بکنین اعمال قبیحہ

یکنند - فریاد قحطی از تمام ایران بلند است در طہران روزی بالغ بر چہار صد نفر می میرند - کندھا در انبارہای ... در مجال ایران پرورہ احکام شدہ کلدنہ را نام و بابت قنایت نام بہان بزرگی دروغی کہ بخودشان بستہ اند - حاضر بشدہ پرورہ آورده و مردم را از ملک نجات دہند - ولایت با حکام یا حکامش ہمان کرگان گرسند و صاحبان دکان خود رود کہ غیر از بول بیج خبر را پرستش میکنند اسرار مکنی و مکتوب دولتی از قتل ہمایونی مستقامتہ خانہ خازن انگلیس نقل میشود کسی نیست صاحب این کار بزرگ را بعبند با بمانند -
 امروز شاہ سفیر انگلیس - حاکم سفیر انگلیس - وزیر سفیر انگلیس - فعال یارید سفیر انگلیس خستیار دربار با سفیر انگلیس - عزل و نصب حکام با سفیر انگلیس - تعیین و زراہ با سفیر انگلیس - قوای دولتی در خستیار سفیر انگلیس - خستیار جراید با سفیر انگلیس -

با بجز رشتہ حیات نام ملک و سلطنت در کیت سفیر انگلیس - بہ کاری کہ نموتندی و فعال سفیر انگلیس است کہ عرض اندام میکنند - تاریخ ایران بچکاہ چہنیں بی شرفی و شرب لہودیرا نشان نبیدہ - قباحت کارای لہودیرا درود شاہ سلطان حسین شدہ - محشر غریبی است ہنگامہ عجیبی است - واقعہ ان تخیر و بہوت بشود نگر در این سلسلہ و ہمارا کباب میناید تقصیر در این اوضاع خستہ اشخاص حساس را برکنندہ

نیاید - بگورہ طاقت آورد جانین اردش کی از ادنی این حد بحد محنت طاقت آورد چہ روز گاہ ہنر و حسوہ گرفتار اعلیٰ حضرت تا گویند کہ عمر و شہر و کیت خاطر مقتدرست دیگر طاقت کجا ندارد - مملکت کردید - نزو و غلاحت از ہمدان نماندہ - در خانین دربار کہ در سفیر اتریا شہر (یعنی پدر اعلیٰ حضرت) سلطنت ایران ہمہ حیث مطمئن بر در شش شہر طاقت و رفاه ہنر آورد ہست شاہ مشروطہ مجرب

نماند بگونه ستوان تحمل کرد؟ - چنان ممکن است
 طاقت آورد! - که پادشاه یک ملک بزرگ
 جانین اردشیر با یک خود را مطیع صرف اراده
 کی از ادنی نوکرهای دولت انگلیس نماید که
 این چه بدبختی است که مجدداً باین کشور
 محنت کشیده متوجه شده؟ -
 چه روزگاری است که باز هم در مقابل دیده
 حاکم بر شده؟ -
 اعلی حضرت! تا جد را احق و جمیع موجودات
 گویند که عرض ما میماند و خالی از شایسته بریا
 و ثروت است -
 خاطر مقتدر است اموجه باین مسئله میماند که ایران
 دیگر طاقت نگش و مبارزه من نماند و رعیت را
 ندارد - ملک خراب شد - ملت گدا و نابود
 گردید - ثروت معدوم گشت - تجارت
 و غلات از زمین رفت - دیگر زره طاقت و توانی
 نمانده - در ایام وقوع روایت شخص اعلی حضرت بفر
 خانین در بار و شیخ انگلیسهای قدار بجزای این
 کشور فرستید
 ششریار! قس از فتح شاه اسی
 (یعنی پدر اعلی حضرت) با یکدیگر نماند و پیمان
 سلطنت ایران را با اعلی حضرت تقدیم داشته از
 همه چیز مطمئن بودند شاه جوانیکه در قضای آزادی
 ردش شده بر بوی اقدام جدیدی در اصلاح
 ملک و رفاه رعیت خواهند فرمود - چند
 سف آوردند که اسبها را بدل بیاس گشته -
 شاه مشروطه محبوب بکفت بجزافات شتی

شهرت در بار و خسر یک نفر انگلیس بکلی حقوق
 ملک و ملت خود را پشت باز نماند -
 شرافت سلاطین ترقی ملک و نشر عدالت
 و رفاه رعیت - و مختاریت شخص سلطنت است
 نه خسرایی ملک و تحت لامری دولت مجاد بود
 است سلطنت ترویج قانون مساوات است
 نه نفی اجتماع! - قدرت بیط فرامن حرب
 و انتخاب مومنین لایق است نه تحمیل تقدیمی از
 حکام و سبط آنها بجان ملت و خنثی گذاشتن
 مشروطیت و از کار بازداشتن دواثر دولتی -
 ثروت یک پادشاه آبادی حوزه سلطنت و
 از بیاد دارائی رعیت او است نه انداختن
 طلا و نقره آنهم با ترقیبی که مورد تنقید تمام مل عالم
 گردید - هیچ پادشاهی به مدتی بفر دولت مبی
 ستاجد و خود بر رعیت مطیع فدکار خویش پادشاهی
 ننموده و هیچ قلمی هم تا امروز از انگلیسها
 بکار حقیقت در راستی ندیده تا اعلی حضرت مشاهده
 فرمایند!
 زیاد کردن قسری با پول و صاحب مضمین انگلیسی
 در روسی توأم سلطنت را محکم نمیکند -
 عدالت و راف فرستاد که همه ایرانی ظلمتی
 اعلی حضرت کردند زیرا مطلقاً گفته اند خسر برسد
 شاهنشاه عادل را رعیت شکر است
 شاهنشاه ما سزاوار نیست که مادرشمان بسازید
 بدوستان بنازید - آبا خیر از حال امروز ملک
 ندارید - آبا باز هم فکر نشد باید که سخنر کردید
 اسرار کلمان را چه مقصودی است

در است
 بر سر
 نبرد
 نماند
 ملک
 تا
 در
 ن
 شود کسی
 -
 وزیر
 بسیار
 نام بفر
 قوای
 مار جراید
 در است
 در حال
 در تاریخ
 بودیرا
 از دوره
 بکار
 در است
 در قس
 در است

نید نم چه بر مان و دلیل حضرت استقا میکند
و از چه نوع علیاتی خاطر مقتدرت مطمئن میگردد
که فدیان گسلان جز استقلال مملکت و تحکیم
مبانی سلطنت مقصودی ندارد ولی تکلیسها به
سعدستی حاشین در بار ایران را میخواهند نصیب
نمایند!

ایادات مقدس شاهانه حاضر نیستند که در این
قضیه امتحان فرمایند تا خاصن از خادم و کازیب
از صادق تمیز داده شود.
اگر شخص شاهانه محصور خانین است بملت ایران
فرمایند آنها را از اطراف سرسراشت
مصرف نمایند؟

اگر خود حضرت شهبازی از روی غنا و میل
این ترمات ننگ آور را تصدیق میفرمایند
در اینجا نظریه است ان نظریه را بملت مبالغ
فرمایند تا همه از حقیقت مسئله مبوق شده
و بداند جهت چیست شاه تاج دار مسلمان بادست
خود بریشه سلطنت و قیلت ایران نیر -
مینزند!

خدیو مصر در تحت فشار انگلیس سلطان است
پادشاه دانمارک هم در مملکت کوچکی بدون فرمان
بر داری از اجنبی سلطان - کدام یک محترم
تر و با قدرت ترند؟

آیا اقتدر امپراطور آلمان و عظمت او برای
اطاعت از دولت پمگانه است یا برای متفق
شدن با ملت خود؟

آیا ایسر فنانان محترم تر است یا امپراطور

اطریس؟ آیا ایسر بخارا مقتدر تر است
یا سلطان عثمانی؟

و استفا چگونه حضرت شهبازی بدون
هیچ مقدمه استقلال یک مملکت قدیم را محو فرمود
و تسلیم اراده انگلیس میشود؟

صرف نظر از تاریخ گذشتهگان حوادث و سیه
حاضره نیکوتر گواهی است که حضرتت باید آن
متذکر شوند که بقوت پمگانگان بملت خود
ناخستن و فشار آوردن جنس خرابی و زوال و
خراب و وبال نتجه نذر کرد

شهریاران! این عسریین ما گر چه نظام
قدری خارج از نزاکت جلوه میکند ولی از شرط
باین آب و خاک و علاقه با استقلال ایران و
استحکام سلطنت حضرتت بنگارش آسبات
شده!

خالق عالم را شاه قدر میدسیم که هیچ منظور و
مقصودی جز خیر دولت و ملت و قطع ایادی اجانب
نداریم و در این طسریق حق و صواب بدون
پردای از مشکلات و غلب تمام قوا ه تمام
دشته و داریم زیرا در این راه شروع زندگانی
ما با مشرقانه و مردن با مسترز روی شرفندی
خواهد بود و از ذات مقدس شاهانه نیز احترام
میکنیم که پیش از این بوعید صبی و طهارات
خاینین فریب نخورده قدری امتحان فرمایند
تا مقصود فدیان و سایرین واضح و حقیقت
گش کرد و با این

ای شاهنشاه ایران - ای جاشین

ای شاهنشاه ایران - ای جاشین

شماره سی ام
سلاطین کبر
راضی نشوید که این
حضرت مثل
مناسب دیدم که
خاندان دسیم
کاخ خاقان نجر
تا یکی
طاق کسری بند
دجله
فارس رفت از
زین
فته چون ضحاک
موج
نیست بجا جاشین
خو
مرکز فته است
ک
شاه ما از خوا
مملکت چهارم
پادشاهان
ملک سامان
خسرو دادانی
در

سلاطین کین - ای قایم مقام ساسانیا
 راضی نشوید که این ایران مهد قدیم تمدن با دست
 اعحضرت مثل مصر و بخارا گردد!
 مناسب دیدم که این مقاله را بگذرا دیات و بیات و
 خانم دسیم!!!

کاخ خاقان تخت جمید فخر نوشیروان
 تا یکی باز محو دست خیال این و آن
 طاق کسری شد لکه کوب سنور اجنبی
 دجله خون شد زین مصیبت چون دل نوشیروان
 فارس رفت از دست دشمن مدوم آنما غم

زین ذلت خاک بر سر میکند تاج کینان
 فتنه چون ضحاک شد در ملک فرمان گذار
 محو شد فر فریدون مرد در رسم کاویان
 نیست بجای جنسین این در رسم سر طین
 خون بناج تخت ایران کربار و آسمان

مرکز فتنه است یکسر پایتخت مملکت
 کرده بد نامی مغز در شکن نام آوران
 شاه ما از خواب غفلت دیده بگشاید اگر
 گریه بر در برتد خشم پوریا برکان

ملک پمار و محتاج حکمی حاذق است
 تن همی فرسایدش در دست این ناخبردا
 پادشاهار رسم شاهی باید گیر از ولیسلم
 که گذشته قدرش از قیروان با قیروان

ملک ساسان شد سر اسر پایمال دشمنان
 بان کجائید ای ملان دوده ساسانیا
 خسرو ادانی که اندر خوا بگا داروش
 دیولندن خواب بند چکل بازندان

پادشاهان تو شاستی این مردم رومه
 گرگ افتد در رومه غفلت اگر دوزد شبان

۲۲ جمادی الثانی - تلگراف - در تخت تیره
 حضور مبارک اعحضرت سلطان احمد شاه قاجار
 خلد له ملکه

نظر بوضعیات اسف انگیز و پیش آمد های ناگوار که
 استقلال مملکت را اثر زلزله و مقامات از جنبه
 ملیت و قومیت را از خنثی در آورده
 توجه خاطر هر مظهر ملوکانه ر متضررانه بجلالت و دل

خواه ما بنیم
 فدائیان که از چند می قبل بدون هیچ ملاحظه فقط بنام
 استقلال مملکت و میانت تاج و تخت زنت قسم
 اعحضرت قیام در در دیاع از دشمنان این آب و خاک
 از هر گونه فدکاری لعل مکرده و با یک تقسیم خل نایز
 با هر گونه تضارفات مقاومت نموده و جان طفت

گذارده در نجات وطن عزیز ارتقا اول و نجا و زنت
 رژیم سابق روسیه دولت جابرد استقلال شکن
 انگلیس کوشیده و یکوشیم تصور جنود کم که خدمات

فدائیان در نظر ایرانیان و مخصوصا آن بد تاج دار
 قابل تسکین و تقدیر و همیشه چو سوره شفیق و ترید و گوا
 بود اینک صلوم گردیده که جمعی از مغرب زمین
 و مفیدین در مقام آن بر آمده که قلب مبارک شانانه

نسبت باین فدائیان شبیه ناک و اقدامت اسلام
 خوانانه یک جمعیت وطن خواه و استقلال طلب را
 بصورت دیگری جلوه گر ساخته و مساعی جمیله این
 حاکران را عقیم گذارند - از اینک بهترین

ست
 ن
 محو فرموده
 سید
 دید بان
 ت خود
 ل و
 لر چه نظام
 حش
 ر سطر
 ایران و
 سیات
 بان
 بطور و
 ی اجا
 بدون
 سام
 ند گانی
 فتنی
 احترام
 رات
 باند
 یقت
 بن

شامد

سرف مرفرد و با جمعیت عیالات آن است علیاً
 این فدایان بهترین گواه نیات و مقاصد است
 و سرگام عطف و جوی برجات رساله این فدایان
 شود قسراً تصدیق خواهد شد بحسب مقاصد خسرو آ
 که شرم عدالت و حفظ مقام قومیت و استقلال مملکت
 است تحقیق ممام دیگری نه نموده و نیات بقده
 آنحضرت اندکس همایونی را در موقع احسب اگر کرد
 و میگذازم -

در اینصورت میتوانیم استر حاناً تمانور که بالقائت
 مغرضین و قعی نگذارده و فدایان به ایک جمعیت
 خادم بان سده سنیه و مقام سنیح خسروانه دانسته
 و بوسالی که مقتضی بدینند از دیال مفیدین که نموده
 ایادی خود را در خسروانی ایران دانسته و میدانند
 جلو گیری فرمایند -

و سرگام بوسایل عریض تلگرافی موجبات طینت
 خاطر خاطر مفسر مظاهر حاصل نشود مکن است
 با هر طوکانه نامیده اینخدایان شرف اندوز
 کردیده با دلائل ثبته خدمات صادقانه و تربیت
 انقیاد و طاعت نسبت با دایم طوکانه و دولت علیاً
 مشهور ساخته و حضوراً بجهت عرض برساند -
 آنحضرت اوضاع ایف شمال مرکز و ایالات دولایا
 و تهدیدات بزرگترین دشمن اسلام و ایران صبر
 و طاقت را از کف سسر ایرانی و اینخدایان بود
 بردانه و لید اطراف شمع سعادت و استقلال
 مملکت قیام داده یعنی است تا اثرات شخص آنحضرت
 که از همه علقه سندر باین آب و خاک است
 با ضروره بیشتر خواهد بود آیا موقع آن برسید

راج بجات مملکت از آن محبت عطا دل و تقاد از
 اجانب تقسیم قلعی فرسوده و احزاب اجرا آنفرینند
 آنحضرت بهترین مواقع استفاده باخرین شماره
 و قاتی دوره خود رسیده بر زمین و قادی آنحضرت
 شهریاری که مرآت حقایق است الهام
 ربانی پوشیده نیت که اندکی امرار وقت
 این ملت ستم دیده را که و دایع الهی و سپرد
 مان آنحضرت است بوادى عدم سوق داده
 و در فشار بر حمانه یگانه دشمن ایران و اسلام
 در گورستان ظلم و سب و مد فون خواهد سخت
 بهتر مانا قبل از فوت وقت در مقام علاج
 و چاره جونی برآمده رضا اندیک دولت کتلم
 چندین ستر سال صورت انارت یافته در عدد
 بخارا و افغانستان بشمار آید ! -

در خانه نخر ریخته تلگرافی خالق عالم و آدم را
 گواه گرفته که ایفدایان طالب مال و جاد و دنیا
 با صدارت و وزارت نبوده و نخواهیم بود -
 فقط و فقط از نقطه نظر دولخواهی و وطن دوستی
 بعضی این مستحیات نجاسر نموده و نظر بر زواید
 عطف و در افت آنحضرت شایسته نسبت بر
 و فدایان در مقام استعانه و اشترام برآمده
 تا هر چه بر بعتر و سائل بجات این مملکت را
 از غرقاب ممالک فراهم ساختند و موجبات
 آسایش ملت ایران استیبه فرمایند !!!
 - بیست اتحاد اسلام -

- تلگراف از قزوین -

شماره سی
 جریده نهد
 نغمه نغمه در
 سلطان
 دوستان
 مدیر وطن
 سیف سلطه
 بعضی خوانا
 سندس شخص
 سیاه وطن
 نایندگان
 استاد و کتبه
 رضا علی - خدام
 عباس - نور محمد
 محمدادی - وار
 کر بلائی مبارک
 داد - ابوتراب
 کریم - مولاداد
 نور محمد - یوسف
 مراد - مرزا
 برود - جیدر خان
 جاسنل - نور
 انم - محمد حسن
 جاسنل گل محمد
 سید شمس
 پردیز خان - فرج
 علی - شبر غازی
 رحمت - میرزا

شماره سی ام
شماره
عزت
السلام
وقت
سپرد
ق داده
سلام
خت
م علاج
مقدم
در عدد
و آدم را
مکت
جاد و بیبا
بود
مستی
بر زداد
ت بر
بر آید
ت را
سویجا
!!!
اسلام

جریده سندس بجمل ۱-

نفر محمد دزد خسرو قانی سهام سلطان شهر
سلطان - شجاع نظام - سورا پانچی - قسیم پور
دوستان - جنرال برانف - شاه خسرو - پانچ
مدیر وطن - زمین نظام کاشی - طهران - نیت باقایی
سید سلطه که از اشخاص صالح ایران دوست است
بعضی خوابات بی اساس مینامند توسط جریده
مخدس مخسر خود مانرا از ان مشغول ترور و وقت
سیاه وطن مسرفه میدارم عموم ان خسرو قانی
نمایندگان خواه بیشتر نفوس با بعضی کسید و
آشاد و کتفیر!

رضا علی - خدا مراد - سید فاطمین - سید ار - سالار
جاسس - نور محمد کریم - حاج فریوز - عبد الله - فرسوز - انا
فرزادی - و اب - محمد اسم - جانگیر - محمد خان
کرمانی - مبار - نفی - ابوتراب - علی - رجب
دادد - ابوتراب - نکر علی - جاس - رتقی - حسین
کریم - مولاداد - سید رحمت - اندام - بنده علی - سینه
نور محمد - یوسف - حسین - نکر خان - نوروز خان - فتحی
مراد - مرضا - کریم - فضل الله - فرم - زمان - عبد علی
برود - جیدر خان - محمد - ابو الحسن - ابراهیم - طوطی
جاستلی - نواد - علی - علی - ایثار - سب با علی
انتم - محمد حسن - نسیان - استوار - بنده در سینه ان
جاسس - گل محمد - محبوب - ریم - محمد نفی - محمد زمان
محمد - سید نفی - جیدر - رستم - سید علی - برزو
پدیدر خان - فرج - عبد کریم - خلیل - تک - محمد نجف
علی - لشیر - غایت الله - محمود - سید - محمد باقر - حجت
رحمت - بیزرا - قاضی - فرمان - علی - نفی - صادق

شیخ علی - حسن علی - نظری - رمضانعلی - رضا محمد
ابراهیم - کریم علی - خیر الله - شاهی - حسن - محمد علی
علی آقا - عبدالحسین - رحیم - جبار - کریم - ابراهیم - رضا -
رجبعلی - رمضان - ابو الفضل - محمد رحیم - خدایه و جبار
بخشی - جیدر - مصطفی - خواتون - محمد ابراهیم - رستم
مصطفی علی - رسول - طاهر علی - فرسواد - طاهر رضا - رضی
حسن - فرج الله - صفدر - رجیبعلی - کریم - حسین - شیری
جعفر - آمان الله - قربانعلی - کریم - محمد ادی - شیخ شیخ
عزیز الله - رستم پیک - خدایه - رتقی - باباخان -
حاجی آقا - طهور - لطف علی - علی کریم - قاضی بخش - عبد
الوهاب - طماس - نعمت الله - لطف علی - علی کریم -
اماس - آنا بابا - اشاد الله - نور علی - حاج عبد کریم
عیسی - صحر علی - رستم - جاس - قربان - علی - خدایه
علی - عزیز الله !!!

(- اعلان -)

۹ ربیع الثانی - تسد المال - نرد ۲۰۰۰
الارات در اثره از حکومتی مالیه و مدله و نظمه دست
و نگراف و بریکاد قسوق و فرج سعود و لیدر و نگهد
هر یک باید بوظایف مقرر خود رفتار و در حدود و مکر
بداخله را غیر جائز دانسته مگر آن قدر یک قانون
تخویر نماید و عموم انالی حتی مجاهدین و خط میمان بوجوم
حق دفاعت و با شفاعت ندارند تا ادارات
بدون ملاحظه بتوانند بوظایف خود قیام و اقدام
نوده باشند و اینه ملاحظه و ساحت و شفاعت
را در رسیدگی با مورات راجعه بخود امان
نخواهند نمود !!!

انت نهاد اسلام

مکتوب -

خدمت آقای میرحسین مجید جنگل امشب
در شماره ۲۵۱ مجریده محترم خدمت می راک از
طرف این بنده نسبت بدست فرودش صریح
درج شده بود جدا نگذیر مینماید
صدور چگونه احکام در موقع لزوم با منضای
وزارت جنیده معارف حسری آنم با اداره
جنیده نظیه است که فوه جسر نه مملکت میباشد
بینه مریوط نبوده !!!

نصر سلطان

جنگل -

سری مخصوص آقای دکا ایلدول سیر به دار
رقوم داشتند نابخس طینی که با نشان
داریم نگارش آقای نصر سلطان را تقبل
مینمایم !!!

تقریظ -

مجله شریفه ادبی منطبه اظلم ان بدیریت آتانا
سعد ملک لعالم ادبی رونق جدیدی عطف
سرموده دولتمردان با داره رسید
موفقیته بدیر محترم و کارکنان آن گرامی
مجله را از خداوند ملت بمانیم !!!

ادبیات گیلکی -

ای مردان بجد از به با سندی حرف سر
زاع دکاسب و غیر گوشت کسیدیم نفر

آیا بشر طیکه همه عمل کسید می کسبه
نه مثل سایر گیان آنچه نهند پشت بر
اگر ترقی براران دومی دجه می گفتگو
بغیر از راه دومی باقی هر خرفیدی کس بر
اه دوجیه که المانه اوقوت دار پوده
ما بکس جنگه دره نترسید از توب و شر
بااه دوجیه که هر روز با لون گشتی خور بخور
چاکنه مارم در فکره که چاکنه جور دیگر
بااه دوجیه که الان در آسمان خاک است

مکار در هر ما مادانه نگویند هیچ اثر
خواهد بگویم آن چه؟ گوش بدیند بگویم
اول غلبه ددم قوه که شماره کسبه بهتر

کر بداریم اه دوجیه ده انگلیسه بر طمع
نمانه مار و زبکونه امه خاکه زیر در زبر
نه شما انگلیس باره عرض که ده زور بگو

بلکه همه دوری کند کرد بداریم اما هنر
ترقیه هر دولتی از راه دوجیه آنی برار
باقی در راه دوره مار هیچ فایده هیچ

اگر ترقی خواهید تحصیل بکنید براران
تا که برور علم انکار کسبیم زیاتر
شاید که آخر کسبه با اتفاق و اتحاد
ایران بیایه خلاصی از دشمنان بر ضرر

مخلف روش -

(ارشت)

راسته علاقه بنده ان قامیس را جعفر حسن زاده
زنجانی

مطبعه کسما

جای اول

میر - طایفه
ملک انفات
باید عنوان
مجلس

براه جازید

تندرست

این روز

آری موقع گذشت
گران بیای
فاق جنگ
نظر زایل

دو مال قبل

کو بکترین شاعر

یکدفعه دست غنچه

ویند داس

استفاده را بر

موقع بودیم - هم

میکردیم - اتقا

آزادی با مالها

آب شامات کرد

نه شامه صرف

محدود بود بنام
خصوصی ابعرض